

به نام خدا
مباحثی در مدیریت مالی

مدیریت سرمایه در گردش

و

وجه نقد

مترجم: فیروز کردی



مدیریت سرمایه در گردش و وجوه نقد

یکی از مهمترین مسائل در اداره روزمره موسسات، مدیریت سرمایه در گردش میباشد. سرمایه در گردش را میتوان بعنوان تمامی داراییهای کوتاه مدتی که در عملیات روزانه از آنها استفاده بعمل می آید، تعریف کرد. این داراییها بدو از وجوه نقد، اوراق بهادار قابل فروش، حسابهای دریافتی و موجودی کالا تشکیل میشوند. مانده های این حسابها همانطور که در محیط عملیاتی موسسه نسبت به تغییرات حساس میباشند، بمیزان زیادی قابل تبدیل به یکدیگر هستند. مدیریت موثر سرمایه در گردش، نیازمند برنامه ریزی میان مدت و همینطور عکس العملهای سریع نسبت به تغییرات در پیش بینی ها و شرایط میباشد.

سرمایه در گردش خالص را میتوان بعنوان تفاوت بین داراییهای جاری (سرمایه در گردش) و بدهیهای جاری تعریف کرد. سرمایه در گردش خالص، مقیاسی برای اندازه گیری نقدینگی میباشد که بعنوان کفایت وجوه نقد برای ادای تعهدات شرکت، تعریف میشود. موسسه ای که وضعیت نقدینگی بسیار مطلوبی دارد، برای پرداخت صورتمسابهایش همیشه وجه نقد کافی در دست دارد. موسسه ای که در چنین وضعیتی مطلوبی بسر نمی برد، قادر به پرداخت صورتمسابهایش در موعد مقرر نمی باشد.

مدیریت سرمایه در گردش بخش عملی تدارک مالی میباشد که تمامی حسابهای جاری موسسه را دربر میگیرد. مدیریت سرمایه در گردش، با کفایت داراییهای جاری و میزان ریسک حاصل از بدهیهای جاری در ارتباط است. مدیریت سرمایه در گردش برنامه ای است که بدنبال سیاستهای مناسب جهت اداره کردن داراییها و بدهی های جاری و همچنین تکنیکهای عملی برای به حداکثر رسانیدن منافع حاصل از اداره سرمایه در گردش میباشد.

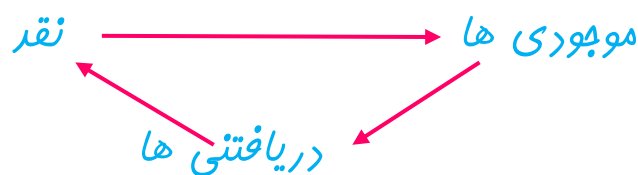
در این بحث، ما سیاستهایی را برای مدیریت داراییها و بدهیهای کوتاه مدت یک موسسه مورد بررسی قرار خواهیم داد. نگاهی خواهیم داشت بر طبیعت سرمایه در گردش و مسائلی که بر آن تاثیر میگذارند. سپس سیاستهایی را جهت اداره وجهه نقد و داراییهایی که خصوصیات و ویژگیهای وجهه نقد را دارا میباشند مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد. ما پیش بینی وجهه نقد و تکنیکهای تفمین مبالغ و زمانبندی جریانهای نقدی آینده را بررسی خواهیم نمود. نهایتاً مفاهیمی را جهت اداره نمودن پرداختهای نقدی و وصول مطالبات موسسه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سیاستهای سرمایه در گردش

داراییهای جاری را میتوان بعنوان داراییهایی که معمولاً طی دوره جاری حسابداری یا طی یک سال در جریان عادی عملیات تجاری به نقد تبدیل میشوند، تعریف نمود. بنابراین، این داراییها منابع نقد یا شبه نقد میباشند. ارزشی که بوسیله این داراییها نشان داده میشود در میان چندین حساب در ترازنامه در گردش میباشد. وجهه نقد برای خرید مواد خام و پرداخت دستمزد و هزینه های تولیدی دیگر، جهت تولید کالا مورد استفاده قرار میگیرد و سپس بعنوان موجودی کالا نشان داده میشود. زمانی که موجودیهای کالا بفروش برسند حسابهای دریافتی بوجود می آیند. وصول مطالبات، وجهه نقد را به داخل موسسه می آورد و این فرآیند مجدداً آغاز میگردد. این مراحل در شکل ۱-۱ نشان داده شده است.

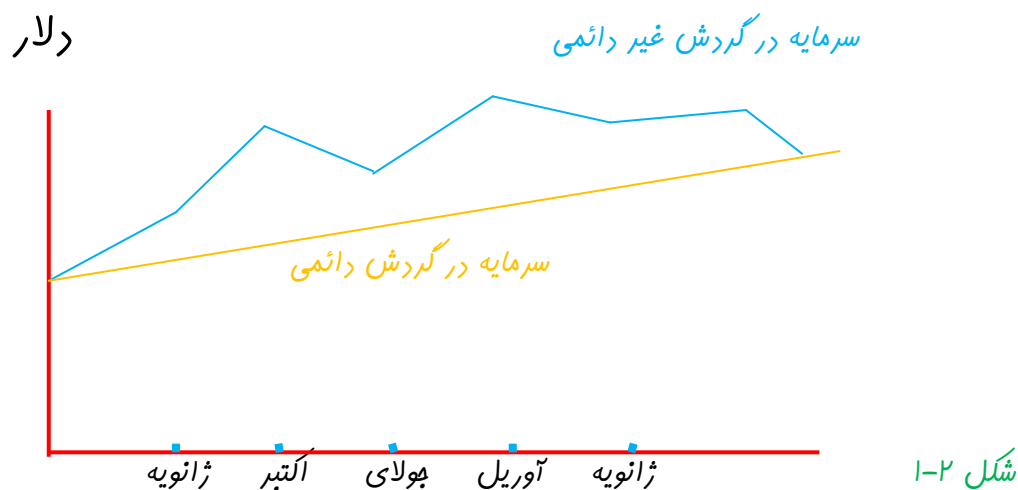
۱- سرمایه در گردش دائمی. این داراییها بطور مداوم، در طول تمامی سال مورد نیاز میباشند. سرمایه در گردش دائمی بیانگر مبالغ نقد، دریافتیها و موجودیها میباشند که بعنوان یک حداقل جهت عملیات در هر زمانی نگهداری میشود.

۲- سرمایه در گردش غیر دائمی. سرمایه در گردش غیردائمی بیان کننده داراییهای اضافی است که در مواقع فاص در طی سال مورد نیاز میباشد. برای دوره هایی که فروش افزایش می یابد (به حد اکثر میرسد) مقداری موجودی اضافی می بایستی نگهداری شود. بعد از دوره ای که فروش افزایش می یابد، دریافتی ها افزایش خواهند یافت و می بایستی که تامین مالی شوند. برای پرداخت هزینه ملزومات اضافی که لازمه فعالیت زیاد میباشد، وجه نقد اضافی مورد نیاز است.



شکل ۱-۱ طبیعت داراییهای جاری

شکل ۱-۲ بطور نموداری، نیازهای سرمایه در گردش دائمی و غیردائمی را برای یک شرکت که سطح فعالیتش در حال رشد میباشد، نمایش میدهد. میزان سرمایه در گردش در تابستان نسبت به زمستان بیشتر است. این امر بیانگر فعالیت تجاری ادواری میباشد.



شکل ۱-۲

اهداف سیاستهای سرمایه در گردش

فقط مشی های شرکت برای اداره کردن سرمایه در گردش می بایستی برای رسیدن به سه هدف زیر طرح ریزی شود:

۱- **نقدینگی کافی.** اگر یک موسسه برای پرداخت صورتهای بدهی در موعد مقرر، فاقد وجه نقد کافی باشد با مشکلات مداومی روبرو خواهد شد. مهمترین هدف، دستیابی به نقدینگی کافی جهت اجرای عملیات روزانه میباشد.

۲- **به حداقل رسانیدن ریسک.** در انتخاب منابع تامین مالی، حسابهای پرداختی و سایر بدهی های کوتاه مدت احتمالاً هزینه های پائینی را در بر خواهند داشت. موسسه می بایستی اطمینان حاصل کند که این تعهدات کوتاه مدت، نسبت به داراییهای جاری موجود جهت پرداخت آنها، خفونی نیابد. مقایسه داراییها و بدهیها در میان حسابهای جاری، مسئولیتی است که هدفش به حداقل رسانیدن ریسک عدم توانایی بازپرداخت صورتهای بدهی و سایر تعهدات میباشد.

۳- **به حداکثر رسانیدن ارزش شرکت.** موسسه سرمایه در گردش را بهمان منظوری نگهداری میکند که هر دارایی دیگر را، یعنی کمک در به حداکثر رسانیدن ارزش فعلی سهام عادی و ارزش شرکت. موسسه نباید بیش از داراییهای ثابت بلااستفاده ای که ممکن است داشته باشد، داراییهای جاری را، نگهداری کند. سرمایه گذاری و وجه بلااستفاده، به حداقل رسانیدن موجودیها، وصول سریع مطالبات و حذف تامین های مالی کوتاه مدت پر هزینه و غیر ضروری همگی منجر به افزایش ارزش موسسه میشود.

عوامل موثر بر نیاز به سرمایه در گردش

۱- **مجموع فروش**: مهم‌ترین عامل موثر بر وسعت و اجزای تشکیل دهنده سرمایه در گردش می‌باشد. شرکت اقدام به نگهداری داراییهای جاری میکند زیرا جهت تقویت فعالیتهای عملیاتی که به فروش منتهی میشوند، این داراییها مورد نیاز هستند. در طی زمان، یک موسسه نسبت تقریباً ثابتی از داراییهای جاری به فروش سالانه را حفظ خواهد کرد. این نسبت برای بیشتر موسسات تولیدی $20/4$ درصد می‌باشد (**فروش / داراییهای جاری**). شرکتی که به سطح ثابتی از فروش دست می‌یابد، در صورتیکه بدرستی اداره شود با سطح ثابتی از نقد، دریافتی‌ها و موجودیها به عملیات خود ادامه میدهد. موسساتی که می‌خواهند در فروش خود افزایش و رشد داشته باشند، نیازمند سرمایه در گردش دائمی اضافی هستند. در صورتیکه فروش در حال کاهش باشد، انتظار کاهش در سرمایه در گردش دائمی میرود.

۲- **عوامل فصلی و دوره ای**: بیشتر موسسات با نوسانات فصلی در تقاضا برای محصولات و خدماتشان روبرو میشوند. این تغییرات در فروش بر میزان سرمایه در گردش تاثیر میگذارد. در یک بهران، ممکن است که فروش یک موسسه موقتاً کاهش یابد در نتیجه نیاز به کاهش موجودیها و میزان مطالبات احساس میشود. در زمان بالا بودن نرخ بهره، ممکن است مشتریان به کندی صورتمسابهایشان را بپردازند، این حقیقت باعث افزایش در میزان مطالبات خواهد شد.

۳- **تغییرات در تکنولوژی**: پیشرفتهای تکنولوژیک، مخصوصاً آنهایی که به فرآیند تولید مربوط میشوند تاثیرات زیادی بر نیاز به سرمایه در گردش دارند. اگر شرکت وسیله ای خریداری کند که مواد خام را نسبت به سابق با سرعت بیشتری جهت تولید

آماده کند، نیاز دائمی برای موجودی ممکن است تغییر کند. اگر آماده سازی سریعتر مواد، نیاز به مواد خام بیشتری جهت جریانات تولیدی موثر، داشته باشد موجودی دائمی می بایستی که افزایش یابد. اگر ماشین میتواند مواد ارزانهتری را مصرف کند نیاز به موجودی ممکن است کاهش یابد.

۴- **خط مشی های شرکت.** بسیاری از خط مشی های شرکت بر میزان سرمایه در گردش دائمی و غیر دائمی اثر میگذارد. اگر موسسه سیاست اعتباری خود را از ۳۰ روز به ۶۰ روز تغییر دهد، ممکن است که وجهه بیشتری بطور دائم در مطالبات مسدود شود. در صورتیکه موسسه سیاستهای تولیدی را تغییر دهد موجودی های مورد نیاز ممکن است بطور دائم یا موقت تحت تاثیر قرار گیرد. اگر موسسه سطح ایمنی موجودی نقد در دست خود را تغییر دهد، سرمایه در گردش دائمی ممکن است که افزایش یا کاهش یابد. در صورتیکه میزان وجهه نقد با میزان فروش مرتبط باشد، سرمایه در گردش غیر دائمی ممکن است که تاثیر پذیرد.

اداره کردن سرمایه در گردش

مدیریت داراییهای جاری بدواً شامل دو مرحله میشود:

۱- **پیش بینی وجهه مورد نیاز.** تغییرات در عملیات موسسه میتواند تقریباً اثراتی فوری بر روی سرمایه در گردش مورد نیاز داشته باشد. برای مثال اگر فروشنده بهای مواد خام را افزایش دهد، نسبت به سابق پول بیشتری در موجودیها مسدود خواهد شد. حتی اگر موسسه بتواند بهای محصول نهایی خود را افزایش دهد، این کار سرمایه در گردش اضافی را جهت تقویت مساعی فروش موسسه می طلبد. یک مدیر آگاه

فعالیت‌های عملیاتی را مشاهده فواید کرد و میزان سرمایه در گردش مورد نیاز برای دوره های آتی را برآورد فواید نمود.

۲- **فراهم کردن وجهه.** هنگامیکه نیازها برآورد میشوند، مدیر باید وجهه لازم را از بهترین منبع، با کمترین هزینه و برای مدت زمان مورد نیاز فراهم کند.

مدیریت موثر سرمایه در گردش، اولین وسیله دستیابی به هدف موسسه که همانا نقدینگی کافی است، میباشد. بعد از همه این مرفها، این سرمایه در گردش (نقد، اوراق بهادار قابل فروش، مطالبات و موجودیها) است که در کوتاه مدت جهت پرداخت صورتهای و ادای تعهدات در دسترس فواید بود. این سرمایه در گردش فایده (مازاد داراییهای جاری به بدهیهای جاری) است که به اندازه گیری درجه استحکام در برابر مشکلاتی که ممکن است بواسطه کمبود وجهه بوجود آید، کمک میکند.

اداره کردن سرمایه در گردش، نیازمند چندین عمل میباشد که ذیلاً چند نمونه از آن آورده شده است:

۱- **آگاهی از مقادیر نقد، مطالبات و موجودیها.** بطور روزانه یا هفتگی، مدیر باید بداند که چه مقدار وجهه در هر یک از حسابهای دارایی جاری مسرود شده است. سؤالاتی باید پرسیده شود. آیا مقادیر موجود در هر حساب مناسب میباشد؟ مانده حسابها نسبت به مانده سابق آنها چگونه است؟ این مانده ها در مقایسه با استانداردهای موسسه چگونه هستند؟ در مقایسه با متوسط صنعت چگونه؟ هر انحرافی نسبت به انتظارات می بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

۲- **دانستن درصد وجهه موجود در حسابهای جاری.** سرمایه در گردش برای بیشتر موسسات، بیانگر یک سرمایه گذاری بزرگ است. در حدود ۳۰ الی ۶۰ درصد کل داراییها ی یک موسسه در حسابهای جاری مسرود میباشد. مدیر می بایستی از رابطه بین

داراییهای جاری و ثابت و همچنین از هر تغییری در درصد وجوه موجود در حسابهای جاری آگاهی داشته باشد.

۳- **ثابت زمان مصروف بهت اداره کردن حسابهای جاری.** با اینکه برآوردها تغییر میکنند، چیزی بین ۱/۳ تا ۲/۳ از وقت مدیر مالی صرف اداره کردن سرمایه در گردش میشود. آگاهی از مدت زمانی که هر یک از پرسنل بخش مالی صرف حسابهای مربوط به داراییهای جاری میکنند، میتواند نسبت به کارائی مدیریت سرمایه در گردش، دید فوپی را بهبود آورد.

چه مقدار سرمایه در گردش مورد نیاز است؟

بهت تعیین مقدار سرمایه در گردش مورد نیاز توسط موسسه، تعدادی از عوامل بقرار زر میتوانند در تجزیه و تحلیل مد نظر قرار گیرند:

۱- **وسعت موسسه.** ممکن است این بهت پیش آید که وسعت یک موسسه چه از لحاظ داراییها و چه از لحاظ فروش، بر نیازش به سرمتایه در گردش اثر میگذارد. یک موسسه کوچک ممکن است از داراییهای جاری اضافی بعنوان یک حفاظ در مقابل وقفه های احتمالی در جریانات نقدی استفاده کند. موسسات کوچک نسبت به موسسات بزرگتر از منابع کمتری برای جریانات ورودی نقد برخوردارند، بنابر این در صورت عدم توانایی تعدادی از مشتریان در پرداخت بموقع، بیشتر تاثیر می پذیرند. موسسات بزرگتر که دارای منابع بیشتری از وجوه میباشند احتمالاً در مقاسیه با کل داراییها یا فروش خود به سرمایه در گردش کمتری نیاز دارند.

۲- **فعالیت‌های موسسه.** اگر موسسه ای ناچار باشد که حجم زیادی از موجودی را انبار کند و یا با شرایط اعتباری آسانس جنس بفروشد (مثلاً، ۷۵ روزه)، این موسسه نسبت به آنهایی که خدمات یا کالاهای خود را نقداً بفروش می‌رسانند به سرمایه در گردش بیشتری نیاز دارند.

۳- **دسترسی به اعتبار.** موسسه ای که قادر است به آسانی از طریق بانکها به اعتبار دست یابد، نسبت به موسسه ای که به چنین اعتباری دسترسی ندارد، با سرمایه در گردش کمتری میتواند به فعالیت خود ادامه دهد.

۴- **گرایش به سود.** از آنجائیکه تمامی وجهه، هزینه ای دربر دارند، مقدار نسبتاً زیاد داراییها باعث کاهش سود یک موسسه میشود. بعضی از موسسات نیازمند سرمایه در گردش اضافی میباشند و مایلند که هزینه های کمی را متحمل شوند. موسسات دیگر، بمنظور کسب تمامی سود حاصل از عملیات، در تمامی اوقات فقط یک حداقلی را بعنوان سرمایه در گردش نگهداری میکنند.

۵- **گرایش به ریسک.** هر چه مقدار سرمایه در گردش، مخصوصاً نقد و اوراق بهادار قابل فروش بیشتر باشد، ریسک مشکلات نقدینگی کمتر است. موسساتی که نمی خواهند حتی ریسکهای مفتمری از کمبود نقدینگی را متحمل شوند ممکن است وجه نقد اضافی نگهداری کنند. موسسات دیگر جهت کسب سود، ریسکهای را قبول میکنند و ممکن است برای پرداخت بموقع صورتهسابها، همیشه وجه نقد کافی نگهداری نکنند.

بیشتر موسسات برای اینکه نیازهایشان به نقدینگی را بدون مسرود کردن وجهه غیر ضروری رفع کنند، مایلند که سرمایه در گردش کافی نگهداری نمایند. برای رسیدن به این هدف، موسسات زیادی بر حداقل کردن ریسک ناشی از نقدینگی ناکافی تاکید می‌گذارند. اگر موسسه تامین مالی کافی برای نیازهای نقد، مطالبات و موجودی اش

داشته باشد، مدیریت میتواند مساعی خود را بر کسب سود متمرکز کند. با اینحال، هدف اولیه مدیریت سرمایه در گردش، اجتناب از ریسکهای ناشی از نقدینگی ناکافی است.

یک هدف مدیریت سرمایه در گردش مربوط به کسب سود برای موسسه میباشد. در این زمینه، سطوح نرخ بهره بر مقدار سرمایه در گردش که یک موسسه نگهداری میکند، تاثیر میگذارد. هنگامیکه نرخ بهره بالا باشد، موسسه به کاهش نقد، مطالبات و موجودیها ترغیب میشود. این کار، هزینه های تامین مالی برای سرمایه در گردش را به حداقل خواهد رسانید و این امکان را برای موسسه بوجود خواهد آورد که وجوه نقد خود را با سود نسبتاً بالایی سرمایه گذاری کند. از سوی دیگر، کاهش در نرخهای بهره ممکن است منجر به سیاستهای کاهش سرمایه در گردش شود. با هزینه های پایین بهره، موسسه ممکن است مایل به نگهداری سطوح بالاتری از سرمایه در گردش باشد.

نرخ بهره در هر سطحی که باشد، موسسه باید بمیزان کافی سرمایه در گردش نگهداری کند تا بطور موثر کسب و کارش را اداره کند. سرمایه در گردش ناکافی ریسک بزرگی از مشکلات نقدینگی بوجود می آورد. در عین حال، میزان ناکافی سرمایه در گردش، نیاز قابل توجهی به وقت و توجه مدیریت دارد. این امر باعث انحراف توجه از عملیات موسسه میشود و معمولاً کاهشی در سود بوجود می آورد. با نگهداری وجوه کافی، موسسه بطور مناسبی مساعی خود را جهت رسیدن به یک بازده، بدون قبول ریسکهای غیر ضروری تعدیل میکند.

داراییهای نقد و شبه نقد

زمانی که یک موسسه سیاستهایی را برای مدیریت کلی سرمایه در گردش پی ریزی کرده است، میتواند توجهش را به سه دارایی اولیه یعنی نقد، مطالبات و موجودیها که نقدینگی را فراهم می آورند، معطوف دارد.

از جنبه مالی، اصطلاح نقد به تمامی منابع و اقلام پولی اشاره دارد که برای کمک به پرداخت صورتهسابهای یک موسسه بسرعت در دسترس میباشد. در ترازنامه، داراییهای نقدی ممکن است بصورت نقد، معادل نقد یا اوراق بهادار کوتاه مدت با نقدینگی بسیار زیاد را بعنوان شکل دیگری از نقد در نظر بگیرند. چنین وضعی بدین دلیل پیش آمده است که بیشتر اسناد دولتی و اسناد شرکت سهامی ظرف چند ساعت یا چند دقیقه از طریق یک مکالمه تلفنی میتواند تبدیل به نقد شود. دختر خزانة دار فقط هنگام صبح به بانک یا کارگزار اطلاع میدهد و وجه نقد تا اواسط روز جهت پرداخت آماده میباشد.

سه نوع اوراق بهادار وجود دارد که بطور گسترده ای بعنوان سرمایه گذارهای کوتاه مدت و اشکال دیگر نقد بکار میرود. هر نوع از این اوراق بهادار ویژگی های متفاوتی دارد که آنها را برای موسسات مختلف مناسب میگردانند. این اوراق بهادار بترتیب ذیل توضیح داده شده اند.

اسناد خزانه

سند خزانه یک تعهد بدون قید و شرط توسط خزانه داری ایالات متحده مبنی بر پرداخت مبلغی معین در سررسید به دارنده سند میباشد. اسناد خزانه برای دوره های کوتاه مدت که معمولاً ۳ و ۶ یا ۱۲ ماه میباشد منتشر میشوند. سررسید این اسناد دارای فواصل یک هفته ای میباشد، بطوریکه مدیر مالی میتواند اسنادی را خریداری کند که تقریباً همزمان با پیش بینی نیازش به نقد، سررسیدش فرا رسد. دو ویژگی اسناد خزانه بقرار زیر است:

۱- بدون بهره. اسناد خزانه با مقداری تخفیف (کسر) و در مزایده، عمدتاً به کارگزاران اوراق بهادار و بانکهای بزرگ تجاری فروخته میشوند و اینها نیز بنوبه خود این اوراق را به اشخاص و موسسات مجدداً میفروشند. برای مثال، بانکی یک سند به ارزش اسمی ۱۰۰۰ دلار را به مبلغ ۹۶۲۵ دلار خریداری کند و فوراً آنرا بمبلغ ۹۶۷۵ دلار به یک موسسه بفروشد. اگر موسسه مزبور سند را برای ۱۲ ماه کامل نگه دارد، خزانه آنرا بمبلغ ۱۰۰۰ دلار بازخرید خواهد نمود. مابه التفاوت میان ۱۰۰۰ دلار ارزش اسمی و ۹۶۷۵ دلار قیمت تخفیفی، سودی است که موسسه در ازای نگهداری سند بدست می آورد.

۲- مطمئن ترین و نقدترین سند قابل فروش. اسناد خزانه مطمئن ترین و نقدترین سند قابل دار و ستد هستند. راجع به این سند باید بگوییم که دولت ایالات متحده بازخرید آنها را تضمین میکند. در مورد نقدینگی شان باید بگوییم که بازار وسیع و فعالی برای این اسناد وجود دارد که آنها را میتوان بسرعت و براحتی قبل از سررسیدشان در صورتیکه موسسه با کمبود نقد روبرو شود، بفروش رسانید. اسناد قرضه خزانه و اسناد بدهی خزانه داری در ارتباط نزدیک با اسناد خزانه میباشند. این اسناد

نسبت به اسناد خزانه، برای مدت زمان طولانی تری منتشر میشوند و دارای بهره میباشند. هنگامیکه این اسناد سررسیدشان نزدیک میشود از لحاظ بازدهی که برای سرمایه گذار در بر دارند، شبیه به اسناد خزانه هستند. این اسناد غالباً بجای اسناد خزانه خریداری میشوند.

سند مالی و تجاری

سند تجاری به اسناد وعده دار کوتاه مدت شرکتهای بزرگ غیر مالی اشاره دارد. سند مالی به اسناد مشابه ولی صادره از طرف شرکتهای مالی اشاره دارد. این اسناد توسط موسساتی که به وجه نقد نیاز دارند برای دوره های زمانی ۳۰ تا ۲۷۰ روز منتشر میشوند. آنها توسط اشخاص یا موسساتی که وجه نقد بلااستفاده دارند و مایلند سود بیشتری نسبت به بازدهی اسناد خزانه کسب کنند خریداری میشوند. در مقابل بازدهی بالاتر، موسسه نقدینگی کمتر و ریسک بزرگتری را تقبل میکند.

سند تجاری معمولاً از یک بانک یا دلال و کارگزار اوراق بهادار خریداری میشود در حالیکه اسناد مالی مستقیماً از موسسات مالی خریداری میشوند. در هر دو مورد، از آنجائیکه برای انتقال این اسناد بازار محدودی وجود دارد، اغلب این اسناد تا سررسید نگهداری میگردند. در بعضی موارد، موسسات مالی قبول میکنند که اسناد را از دارندگانشان بازخرید کنند و معمولاً حق الزحمه ای را در ازای این خدمت دریافت میدارند.

اسناد تجاری و مالی باگذشت زمان از اهمیت برخوردار شده اند. زمانی، مدیران محافظه کار بر این مطلب تاکید میکردند که خزانه داران سرمایه گذاریهای کوتاه مدت خود را به اوراق بهادار خزانه محدود کنند. سابقه عالی بازپرداخت و بازدهی بالای اسناد

تجاری و مالی از طرف موسسات بزرگ و با ثبات، شرکتها را برآن داشته است تا در بازار این اسناد هر چه فعالیت عمل کنند.

گواهینامه های قابل معامله سپرده

گواهی نامه سپرده، رسیدی برای حساب مدت دار (ثابت) در یک بانک یا موسسه مالی دیگر است. بانک با پرداخت مبلغ سپرده به اضافه مبلغ تعیین شده بهره به دارنده گواهی در سررسید موفقیت میکند. گواهینامه های بانکهای درجه یک (بزرگترین و با ثبات ترین بانکها) به دو دلیل مورد علاقه فراوان مدیران مالی بوده است:

۱- **بازده بالا و مطمئن.** گواهینامه های سپرده، سرمایه گذاریهای بسیار مطمئنی هستند که دارای بازدهی نسبتاً بالاتری نسبت به اسناد خزانه میباشند. بازدهی ای که قدرت رقابت با بازدهی اثار تجاری و مالی را دارا میباشد.

۲- **درجه بالای نقدینگی.** بر خلاف اسناد تجاری، برای گواهینامه های سپرده بازار وسیع و فعالی وجود دارد، بطوری که در صورت تمایل میتوان آنها را قبل از سررسید بفروش رسانید.

در سالهای اخیر، توسعه و پیشرفت چشمگیری در بازارهای گواهینامه های سپرده بوجود آمده است. زمانی که بانکها با پیچیدگی فزاینده برای بدست آوردن سهمشان از بازارهای پولی مردم، رقابت میکنند، میتوان انتظار داشت که اشکال و خصوصیات گواهینامه های سپرده تغییر کند.

سایر اوراق بهادار قابل دادوستد

علاوه بر این سه نوع اوراق بهادار جهت سرمایه گذاری و به وجه بلااستفاده، تعدادی اوراق بهادار دیگر نیز وجود دارند که برای خزانة دار شرکت قابل استفاده میباشند. بعضی از این اوراق به قرار زیرند:

۱- **اسناد بدهی خزانة داری.** این اوراق بهادار واقعاً با اسناد خزانة یکسان است البته با دو مورد تفاوت. اول اینکه این اوراق سررسیدهای طولانی تری دارند چون برای دوره های ۱ تا ۷ سال منتشر میشوند. سررسید طولانی آنها باعث این نمیشود که آنها را سرمایه گذاری های کوتاه مدت در نظر بگیریم. این بدان دلیل است که در هر زمانی میتوان آنها را در یک بازار بسیار وسیع به فروش رسانید. تفاوت دوم میان اسناد خزانة و اسناد بدهی خزانة داری در روش کسب سودشان میباشد. اسناد خزانة نسبت به ارزش اسمی با تلفیف (کسر) بفروش میرسند ولی اسناد بدهی خزانهداری دارای بهره میباشد.

۲- **اوراق نمایندگی فدرال.** تعدادی از نمایندگیهای دولت ایالات متحده، اوراق بهاداری جهت تامین مالی فعالیتهایشان منتشر میکنند. این نمایندگیها شامل فدرال بانک وام داخلی، شرکت ملی فدرال رهن، شرکت ملی رهن دولتی، اداره تامین مسکن فدرال و بانکهای فدرال زمین میشود. بر خلاف اوراق خزانة، تمام این اوراق توسط دولت امریکا تضمین میشوند و بعنوان بخشی از قرضه عمومی بحساب نمی آیند. بنابراین آنها را باید تلاصی پرمفاطره تر از اوراق خزانة در نظر گرفت، نتیجتاً این اوراق بازده نسبتاً بالاتری را نسبت به اوراق خزانة مشابه دربر دارند. با اینکه تمامی آنها توسط دولت تضمین میشوند، در عین حال، سرمایه گذاریهای مطمئنی محسوب

میشوند. اینها را میتوان مانند اوراق خزانة از طریق کارگزاران اوراق بهادار در بازارهای ثانوی براهتی بفروش رسانید. همچنین این اوراق طی سالهای اخیر مقبولیت عامه یافته اند. اکثر اوراق بهادار موسسات دولتی با سرسیدهای یکسال یا کمتر انتشار می یابند اما اوراقی با سرسیدهای ۱۰ سال یا بیشتر نیز یافت میشوند.

۳- صندوقهای بازار پول. صندوق بازار پول، یک موسسه حرفه ای است که در اوراق بهادار قابل دادوستد- مانند آنهایی که قبلاً توضیح داده شد- سرمایه گذاری میکند. در این موسسات، یک سرمایه گذار میتواند بجای خرید مستقیم اوراق، مبادرت به خرید سهام این صندوقها نماید. بازدهی که نصیب سرمایه گذار میشود به عواید اوراق بهادار خریداری شده توسط شرکت نزدیک فواید شد. بدلیل درجه بالای نقدینگی، بازده قابل رقابت و هزینه پایین معاملات، صندوقهای بازار پول بعنوان ابزاری جهت سرمایه گذاری وجوه مازاد، جذبه ای خزاننده بفود گرفته اند.

۴- پذیرش های بانکی. پذیرش بانکی ابزاری است که بدو جهت تامین مالی تجارت بین المللی بکار گرفته میشود. حواله ای توسط یک شرکت یا شخص صادر میشود و به یک بانک تجاری دستور میدهد که مبلغی پول را در یک تاریخ معین در آینده به دارنده حواله پرداخت کند. وقتیکه دستور توسط بانک پذیرفته میشود این امر برای بانک بصورت یک تعهد درمی آید. این پذیرش بانکی میتواند با کسر (نسبت به ارزش اسمی) خریداری شود و بعنوان یک ورقه بهادار قابل دادوستد نگهداری شود. سرسید پذیرش های بانکی معمولاً از ۳۰ روز تا ۶ ماه میباشد و یک بازار ثانوی جهت مبادله آنها وجود دارد.

۵- توافقیهای باز خرید. شامل فروش اوراق بهادار توسط یک کارگزار، بانک یا سایر موسسات به یک شرکت میشود با یک توافق ضمنی مبنی بر اینکه کارگزار، این اوراق

بهادار را با قیمت تعیین شده و در یک زمان معین بازخرید خواهد کرد. این ترتیبات که **REPOS** نامیده میشود بطور گسترده ای جهت فراهم آوردن یک بازده از سرمایه گذاری پول برای یک مدت کوتاه که معمولاً مدتش یک روز است مورد استفاده قرار میگیرد. بطور مثال، این توافق میتواند برای سرمایه گذاری پول طی سه روز آخر هفته صورت گیرد بطوریکه این وجهه طی مدت ۷۲ ساعت در بانک راكد نماید. در یک توافق بازخرید، خزانه دار وجهه نقدی را که موقتاً بلااستفاده است سرمایه گذاری میکند و کارگزار نیز در مقابل، وجهی را برای مدتی کوتاه تحصیل مینماید.

چه مقدار موجودی نقد مورد نیاز است؟

میزان موجودی نقد یک شرکت اساساً به سه دلیل عمده در جهت تامین نقدینگی بستگی دارد. بقول اقتصاد دان مشهور جان مینارد کینز، ما آموخته ایم که نیازهای عمده شرکت به وجه نقد، بشرح زیر میباشد:

۱- **نیازهای معاملاتی.** یک شرکت جهت انجام وظایف روزانه خود نیاز به وجه نقد دارد. همانطوریکه میزان عملیات موسسه بر احتیاجات سرمایه در گردش تاثیر میگذارد همپنین بر نیاز به نقد نیز تاثیراتی دارد. اگر حجم فروش افزایش یابد وجه نقد از مشتریان دریافت و مبالغی بیشتر از آن صرف مواد و دستمزد خواهد شد. وجه نقد کافی جهت پوشش این اقلام و سایر معاملات دست شرکت را در پرداخت بموقع صورتسوابهایش باز میگذارد.

۲- **نیازهای احتمالی.** در صورتیکه شرکت بتواند بطور کامل نیازهایش به نقد را پیش بینی کند، با وقایع و موقعیتهای اضطراری غیر منتظره که نیاز به وجه نقد داشته

باشد، روبرو نخواهد شد. از آنجائیکه چنین امری ممکن نمی باشد، لذا موسسه باید برای چنین احتمالاتی مهیا باشد. اگر یک مشتری عمده بطور ناگهانی توانایی مالی خود را از دست داده و نتواند صورتمسابهایش را بپردازد، جریانات ورودی نقد به سطحی پایین تر از میزان پیش بینی شده کاهش خواهد یافت. موسسه باید جهت پرداخت صورتمسابهای خود تا زمانی که چک مشتری برسد، پول داشته باشد. یک فروشنده ممکن است که بدلیل داشتن مشکلات یا ناچاراً خریدهای نسیه موسسه را حذف کند. حذف پیش بینی نشده اعتبار بدین صورت میتواند بدین معنا باشد که موسسه می بایستی جهت خرید مواد خام وجه نقد بپردازد یعنی یک نیاز احتمالی مربوط به جریانات فروچی نقد.

۳- **نیازهای موقعیتی.** شامل شانس کسب سود بواسطه داشتن وجه نقد در دسترس میشود. بطور مثال، ممکن است که یک فروشنده چندین سفارشش لغو شود و بخواهد مقداری از موجودی مواد خام را که مورد نیازش نیست از انبارش خارج سازد. در صورتیکه فروشنده تفهیف قابل توجهی را برای خرید نقدی این مواد پیشنهاد کند، موسسه این موقعیت را خواهد داشت که یک صرفه جویی اساسی در خریدش داشته باشد و نتیجتاً سود اضافی از فروش کالاهای سافته شده کسب کند.

علاوه بر این نیازها، ممکن است چندین عامل مهم دیگر که بر میزان موجودی نقد نزد شرکت تاثیر میگذارند، شناسایی شود.

دستری به اعتبار کوتاه مدت

جهت اجتناب از نگهداری وجه نقد غیر ضروری بیش از اندازه برای نیازهای احتمالی یا موقعیتی، بیشتر موسسات سعی در فراهم آوردن ترتیبات استقراض پول به هنگام نیازهای غیر منتظره دارند. یک توافق مفید رسمی یا غیر رسمی بین شرکت و

بانک جهت تامین اعتبار در صورت نیاز، هر اعتبار نامیده میشود. برای مثال ممکن است بانک تا ۱۰۰ ۰۰۰ دلار را با یک اطلاعیه ۷۲ ساعته برای سررسیدهای ۳۰ روز تا یک سال تامین نماید. این وام می بایستی برای مشتریها (شرکتها) در هر زمانی که مورد تقاضای آنهاست با نرخ رایج بهره به حسابها منظور شود. بدین ترتیب، شرکت معمولاً نرخ بهره نسبتاً بالاتری را نسبت به بدهی بلند مدت میپردازد اما چون هر اعتبار، به یک شرکت اجازه میدهد که به یک وام مجاز جهت نیازهای غیر منتظره متکی باشد، این امر میزان نقد و معادل نقد مورد نیاز را کاهش میدهد.

نرخهای بازار پول

بازار پول شامل موسسات و افرادی میشود که بعنوان بخشی از جریان عادی فعالیت تجاری پول قرض میدهند و میگیرند. بهره ای که برای هر وام در نظر گرفته میشود تحت تاثیر عواملی از قبیل میزان وام و وضع اعتباری وام گیرنده قرار میگیرد. دو عامل بیشترین اثر را بر نرخهای بهره دارند. اول از همه دسترسی به پول که یک عامل کلیدی محسوب میشود. در صورتیکه در سیستم اقتصادی که شرکتها یا اشخاص نیازمند پول در آن قرار دارند، میزان پول بسیار زیاد باشد، نرخهای بهره رو به کاهش میگذارند. اگر پول نایاب باشد نرخهای بهره بالاتر هستند. دومین عامل، سیاستهای سیستم فدرال رزرو (ایالات متحده) است که بر نرخهای بهره اثر میگذارند. فدرال رزرو مسئول اداره کردن عرضه پول در ایالات متحده میباشد. جهت دستیابی به اهداف اقتصادی ویژه، ممکن است فدرال رزرو برای تحت تاثیر قرار دادن نرخهای بهره، دست به اقدامات ویژه ای بزند. نرخهای بهره ممکن است در زمان وفور پول رو به افزایش و در زمان کمبود آن رو به کاهش گذارد. سطح نرخهای بهره —بالا یا پایین—

چگونه بر میزان موجودی نقدی که توسط یک شرکت نگهداری میشود، تاثیر میگذارد؟ اگر پول فقط یک بازده مفتصر را در بازارهای پول به همراه داشته باشد، ممکن است که یک شرکت تصمیم به عدم سرمایه گذاری پول بگیرد. از آنجائیکه زیان ناشی از عدم سرمایه گذاری و بدست نیاموردن سود، کم است، اخذ وام مقرون بصرفه نمی باشد. بنابراین شرکت وجوه نقد مازاد خود را در حساب جاریش نگهداری میکند این امر منجر به افزایش موجودی نقد میشود. از طرف دیگر، اگر نرخهای بهره خیلی بالا باشد، هر دلار اضافی، سرمایه گذاری خواهد شد. تنها نرخهای بالای بازار پول است که وجوه را از شرکتها جذب میکند در غیر اینصورت این وجوه توسط شرکتها برای مدت کوتاه سرمایه گذاری نمی شوند.

تغییرات در جریانهای نقدی

علاوه بر نیازهای احتمالی، بعضی از شرکتها بصورت یک امر عادییا نوسانات وسیعی در جریانهای نقدی روبرو میشوند. اگر یک شرکت مشتریانش را به پرداخت صورتحسابهایشان در دهم هر ماه ملزم نماید، در این زمان جریانهای ورودی نقد بسیار وسیع تری را نسبت به زمانهای دیگر در طول ماه خواهد داشت. این شرکت نسبت به شرکتی که حسابهای دریافتی اش را در سرتاسر ماه دریافت میکند، متوسط مانده نقدی بیشتری را دارا خواهد بود. اگر در شهر طوفانی رخ دهد که امور پستی را برای چندین روز در حدود دهم ماه مفلت کند، ممکن است که شرکت قادر به ادای آن بفش از تعهدات خود که در همان زمان موعدهش فرا میرسد، نباشد. یک مثال دیگر در این مورد شرکتی است که مشتریان عمده اش موسسات کوچکی هستند که با مشکلات نقدی روبرو

هستند. چنین شرکتی با تأخیرات زیادی در امر پرداخت توسط مشتریان روبرو خواهد شد. در ماههای دیگر موسسات در امر پرداخت، کندی نشان خواهند داد.

بعنوان یک قاعده کلی، شرکتی که دارای جریانات ورودی و خروجی ثابتی میباشد، میتواند یک مانده نقدی نسبتاً یکسانی را نگهداری کند. این مانده همچنین نسبت به مانده نقدی شرکتی که جریانات ورودی و خروجی شان دارای نوسانات زیادی است، کمتر میباشد. این شرکت میتواند با دقت بیشتری موجودیهای نقدی اش را پیش بینی کند و با مشکلات کمتری در رابطه با مدیریت وجوه روبرو خواهد بود.

مانده های جبران کننده

اگر شرکتی از یک بانک مقداری پول بصورت وام گرفته باشد، ممکن است که توافقنامه وام، شرکت را ملزم به نگهداری یک حداقل مانده ای از موجودی نقد در حساب جاریش کند. چنین موجودی ای موجودی جبران کننده نامیده میشود. در واقع، این امر شرکت را ملزم به استفاده از خدمات بانک وام دهنده میکند و مقداری پول تضمین شده در اختیار بانک قرار میدهد که بانک مزبور بابت آن هیچ بهره ای پرداخت نمیکند. یک دلیل دیگر جهت نگهداری مانده جبران کننده میتواند این باشد که بانک خدمات رایگان ویژه ای را به شرکت ارائه کند. این موجودی بدون بهره نزد بانک، کارمزد بانک برای همکاری و مشاوره اش با شرکت است. چنین التزامی مبنی بر نگهداری یک حداقل مانده نقدی، مقدار موجودی نقدی را که شرکت میبایستی نگهدارد، افزایش میدهد. ممکن است چنین گفته شود که در واقع این مانده، نقدینگی شرکت را افزایش نمیدهد. از آنجائیکه شرکت نمیتواند از محل مانده جبران کننده چکی صادر کند در حقیقت شرکت نمیتواند این مانده را یک منبع نقدینگی برای خود در نظر بگیرد.

پیش بینی کردن جریان نقد

هنگامیکه مدیر مالی سیاستهای شرکت در مورد مدیریت جریان نقد را شناسایی میکند، میبایستی که با مسئله پیش بینی مبالغ و زمانبندی جریانهای آتی ورود و خروج نقد روبرو شود. این امر برای بیشتر شرکتها مرحله ای دشوار میباشد چون که جریانهای نقدی توسط عوامل فراوانی تحت تاثیر قرار میگیرند و این عوامل ممکن است شامل تعداد زیادی از حسابها، بخشهای عملیاتی یا حتی واحدهای تابعه شود. اما میزان ریسک نیز بالا میباشد. عدم موفقیت در تعیین سطح مناسب نقد، شرکت را با سه ریسک روبرو میسازد:

۱- **قصور در پرداخت بدهی.** عدم موفقیت در پرداخت بهره یا اصل یک وام توسط شرکت، قصور در پرداخت بدهی نامیده میشود یعنی موقعیتی که ممکن است به اقدامات قانونی توسط بستانکاران شرکت منجر شود.

۲- **انقضای صورتمسابها و عدم پرداخت آنها.** ناتوانی پرداخت تعهدات کوتاه مدت نظیر حساب بستانکاران، کم اهمیت تر از قصور در پرداخت بدهی مربوط به وامها میباشد اما ممکن است منجر به پایین آمدن میزان اعتبار شرکت در جامعه تجاری شود. این امر ممکن است باعث بالا رفتن نرخ بهره به هنگام تقاضای وام توسط شرکت شود و یا سبب گردد که بستانکاران از ارسال کالا بصورت نسیه خودداری کنند.

۳- **از دست رفتن صرفه جوییهای حاصل از خرید.** وجه نقد ناکافی ممکن است باعث گردد که شرکت فرصت خریدهای نقدی ویژه و یا استفاده از تخفیفهای تجاری مربوط به خرید کالا را از دست بدهد.

در جهت به حداقل رسانیدن این ریسکها، شرکت دو هدف صورت پیش بینی نقد بقرار زیر را دنبال میکند:

۱- **سودآوری**. پیش بینی دقیق نقد، میتواند با بازگذاشتن دست شرکت در استفاده از تفهیمهای سودآور خرید، سرمایه گذاری وجه مازاد یا کاهش هزینه های نگهداری وجه بلااستفاده منجر به کسب سود میشود.

۲- **نقدینگی**. با پیش بینی اضافات یا کسورات وجه نقد، شرکت به نقدینگی دست می یابد یعنی پول کافی در بانک جهت پرداخت بدهیها در سررسید.

صورت پیش بینی جریان نقد

یک ابزار سودمند در بررسی جنبه پیش بینی مدیریت جریان نقد، صورت پیش بینی جریان نقد میباشد. این صورت شامل جدول زمانی جریانات ورودی و خروجی نقد است. ویژگیهای مهم و عمده این ابزار (صورت پیش بینی جریان نقد) بشرح زیرند:

۱- **تمرکز بر دریافتها و پرداختها**. صورت پیش بینی جریان نقد، اقلامی از قبیل سود و زیان، فروش و هزینه ها را نادیده میگیرد. این صورت بدون در نظر گرفتن اینکه فروش در چه زمانی صورت میگیرد، بر روی دریافتهای نقدی تمرکز می یابد. بنابر این فروشهای نقدی را در بر فواید گرفت، همانطور که وصول حسابهای دریافتی را که در اثر فروش نسبه بوجود آمده اند دربر میگیرد. با توجه به بدهیهای شرکت، فقط پرداختهای نقدی در این صورت پیش بینی در نظر گرفته میشوند. ایجاد بدهیها ربطی به جریان نقد ندارد و حذف میگردد.

۲- **هزینہ های غیر نقدی.** واضح است که چون هزینہ های غیر نقدی نظیر استهلاک هیچ پرداختی را شامل نمیشود، در یک صورت پیش بینی جریان نقد به حساب نمی آید. پرداخت نقدی جهت خرید ماشین آلات را میبایستی در نظر گرفت.

۳- **مساعی مشترک چندین دپارتمان.** با وجود اینکه صورت پیش بینی جریان نقد با راهنمایی مدیر مالی تهیه میشود، با اینحال بیانگر مساعی مشترک چندین دپارتمان عملیاتی میباشد. پیش بینی فروش و بطور غیر مستقیم وصول مطالبات توسط پرسنل بازاریابی صورت میگیرد. هزینہ های تولید توسط مدیران دپارتمان تولید و حسابداران صنعتی مناسبه میگردد. سایر دواير به نسبت مسئولیت خود در مورد دریافت یا پرداخت نقد در این امر مشارکت میکنند.

اهمیت زمانبندی

از مشفصه های صورت پیش بینی جریان نقد، یکسری عقب افتادگیهاست که همان تاخیرات مابین یک رویداد و جریان نقدی حاصل از آن رویداد میباشد. برای درک عقب افتادگیها با توجه به جریانات ورودی و خروجی، جدول زیر را در نظر بگیرید:

۲۶ ژوئن	۲ جولای	۹ جولای	۱۶ جولای	۱۹ جولای	۲ آگوست
رویداد	فروش	خرید	خرید		
۳۰ ۰۰۰	۲۶ ۰۰۰	۲۴ ۰۰۰			
۲۰ روزه	۳۰ روزه	۱۰ روزه			
			۳۰ ۰۰۰ +	۲۴ ۰۰۰ -	۱۶ ۰۰۰ -
					جریان نقد

در این مثال، فروش نسبه در ۲۶ ژوئن با شرایط تجاری فالص ۲۰ روزه یک جریان ورودی نقدی (که با علامت مثبت نشان داده شده است) را در ۱۶ جولای به همراه دارد. دو قلم خرید، متناسب با شرایط اعتباریشان در آینده منجر به جریانات فروبی در آینده میشود. (همانطور که با علامت منفی بیان شده است).

در تهیه صورتهای پیش بینی جریان نقد، مخصوصاً کنترل زمانبندی جریانات و همپنین شناسایی تمامی عقب افتادگیها دارای اهمیت هستند. برای مثال اگر شرکت میدانند که درصد معینی از مطالبات در موعدهش وصول نمیشود، نباید از ۱۰۰ درصد مطالبات در طی دوره ای که با شرایط تجاری تعیین شده اند انتظار دریافت وجوه نقد را داشته باشد. اگر شرکت این عقب افتادگیها را بطور صبیح در نظر نگیرد ممکن است که با کمبودهای نقدی روبرو شود.

کاربرد مدیریت وجوه نقد

همانطور که جلوتر ذکر کردیم در اداره کردن داراییهای جاری دو خزانده مورد نیاز میباشند: پیش بینی وجوه مورد نیاز و تمهیل این وجوه. جهت نشان دادن این دو مرحله در مورد مدیریت وجوه نقد، از مثال شرکت چاپ کپی رایت استفاده خواهیم کرد:

موقعیت

شرکت چاپ کپی رایت نیمه دوم سال تقویمی را در حالی آغاز میکند که ۳۰۰ دلار در حساب بانکی اش دارد و ۵۰۰ دلار در صندوق بازار پول متحد که توسط یک بانک سرمایه گذاری محلی اداره میشود، دارد. فروشهای نقدی و سایر درآمدها همانطور که در جدول ۱-۱ نشان داده شده است میبایستی در طی شش ماه آینده نسبتاً ثابت

باشد. وصولیهای شرکت از بدهکاران یک موضوع دیگر است. در نتیجه رکود تجاری در تابستان، شرکت کپی رایت برای دو هفته آذر بهولای و هفته اول آگوست تعطیل میشود. نوسان در وصول مطالبات، این دوره عدم فعالیت را نشان میدهد. از طرف دیگر دستمزدها و حقوقها دستفروش نوسان نمیشوند چون که توافق شده که یک درآمد ثابت در طول دوره تعطیلی به کارمندان پرداخت شود. اجاره، آب و برق و تلفن و هزینه های عملیاتی نیز نسبتاً ثابت هستند. خرید ملزومات و پرداخت به بستانکاران اقلام نهائی میباشد. مواد اولیه و ملزومات میبایستی که در تابستان مجدداً تامین گردد و همانطور که در صورت پیش بینی نشان داده شده است، شرکت پرداختهای نقدی کلانی را متحمل میشود. در نهایت این جدول پیش بینی الگوی نقدی را توسط شرکت برای یک دوره شش ماهه نشان میدهد.

تهیه صورت پیش بینی وجوه نقد

این پیش بینی در جدول مزبور چگونه کامل میشود؟ مدیر مالی با ۸۰۰۰ دلار وجه نقد و معادل نقد در اول بهولای شروع کرد، جریانهای ورودی و خروجی را برای ماه بهولای تعیین کرد و مانده نقدی پایانی بمبلغ ۱۷۳۰۰ دلار را محاسبه کرد. این مبلغ به بالای ستون ماه آگوست آورده شد و تمامی مراحل در مورد آن تکرار شد. پرائنرها بیانگر مانده های نقدی منفی در پایان سپتامبر و اکتبر میباشد. برای ماه دسامبر، شرکت بار دیگر مانده نقدی مثبت را پیش بینی میکند.

جدول ۱-۱ پیش بینی جریان نقد						
دوره شش ماهه						
شرکت چاپ کپی راییت						
وجه نقد موجود در اول ماه	جولای	اگوست	سپتامبر	اکتبر	نوامبر	دسامبر
جریانهای ورودی	\$ ۸۰۰	\$ ۱۷۳۰۰	\$ ۵۱۰۰	\$ (۱۱۱۰۰)	\$ (۲۳۰۰)	\$ ۷۵۰۰
فروشهای نقدی	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
وصول مطالبات	۲۷۰۰	۱۶۰۰۰	۱۶۰۰۰	۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰
سایر درآمدها	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰
وجه نقد در دسترس	۴۰۰۰۰	۳۸۳۰۰	۲۵۱۰۰	۲۲۹۰۰	۳۲۷۰۰	۴۲۵۰۰
پرداختها						
دستمزد	۷۵۰۰	۷۵۰۰	۷۵۰۰	۷۵۰۰	۷۵۰۰	۷۵۰۰
مالیات	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰
ملزومات و حسابهای پرداختی	۱۱۵۰۰	۲۲۰۰۰	۲۵۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۲۰۰۰
اجاره و آب و برق و تلفن	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰
سایر هزینه های عملیاتی	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
جمع پرداختهای نقدی	۲۲۷۰۰	۳۳۲۰۰	۳۶۲۰۰	۲۵۲۰۰	۲۵۲۰۰	۲۳۲۰۰
وجه نقد موجود در پایان ماه	\$ ۱۷۳۰۰	\$ ۵۱۰۰	\$ (۱۱۱۰۰)	\$ (۲۳۰۰)	\$ ۷۵۰۰	\$ ۱۹۳۰۰

محاسبه کمبودهای نقدی

هنگامیکه صورت پیش بینی تهیه شده است، تحلیلگر میتواند وضعیت شرکت را ارزیابی کند. یک بخش مهم ارزیابی به کفایت موجودی نقد مربوط میشود. ممکن است

بعنوان حداقل مبلغ نقدی که برای اداره صحیح امور شرکت مورد نیاز است یک سطح اطمینان تعیین شود. این سطح اطمینان، مقداری موجودی نقد و معادل نقد است (جزو مانده های جبران کننده نباشد) که شرکت همیشه برای معاملات، نیازهای احتمالی و نیازهای موقعیتی در دسترس دارد. هنگام مقایسه وجه نقد در دسترس با سطح اطمینان چهار حالت ممکن است پیش بیاید:

۱-مازاد. اگر شرکت موجودی نقد در دسترس را بالاتر از سطح اطمینان پیش بینی کند، شرکت دارای یک مازاد است. هیچ موجودی نقدی اضافی مورد نیاز نیست و مدیر ممکن است فرصت سرمایه گذاری وجوه نقد مازاد را هنگامیکه وقتش فرا میرسد داشته باشد.

۲-وضع مطلوب. اگر مبلغ پیش بینی نقد شرکت تقریباً با سطح اطمینان آن برابر باشد هیچ وجه نقد اضافی مورد نیاز نیست. اصطلاح تقریباً معنی متفاوتی برای تحلیلگران مختلف دارد. اما میتوان آنرا بعنوان یک موجودی نقد در حدود ۵ تا ۱۰ درصد سطح اطمینان تعریف کرد.

۳-کمبود. اگر شرکت یک مانده نقدی مثبت داشته باشد اما این مانده پایین تر از سطح اطمینان باشد شرکت با کمبود روبرو میباشد. مدیر بایستی برنامه هایی جهت جبران این کمبود داشته باشد.

۴-کسر. اگر شرکت یک مانده نقدی منفی را پیش بینی کند، نمیتواند تمامی پرداختهای برنامه ریزی شده اش را انجام دهد. در چنین چنین وضعیتی مدیر باید برنامه هایی در نظر داشته باشد که این کسری و همینطور کمبود پایین تر از سطح اطمینان را نیز جبران کند.

چگونه شرکت سطح اطمینان را تعیین میکند؟ در حقیقت دو سطح اطمینان را میتوان در نظر گرفت:

۱- سطح اطمینان عملیاتی. شرکت جهت اداره امور تجاریش در شرایط عملیاتی عدم اطمینان به نقد و معادل نقد نیاز دارد، این مبلغ مورد نیاز با قضاوت صمیم و همینطور در اثر تجربه تعیین میشود. در مورد شرکت چاپ کپی رایت سطح اطمینان را ۱۰۰۰ دلار در نظر میگیریم.

۲- سطح اطمینان پشتیبان. علاوه بر سطح اطمینان عملیاتی، شرکت در مقابل نوسانات شدید احتمالی در جریان نقد نیاز به یک پشتیبان دارد. این پشتیبان در حقیقت یک هاشیه اطمینان برای موقعیت سود و یا یک مشکل بزرگ و غیر منتظره میباشد. هاشیه اطمینان پشتیبان، معمولاً با نگهداری اوراق بهادار قابل دادوستد و یا با ایجاد یک حد اعتباری با یک بانک یا موسسه مالی حاصل میشود. میزان عملیات شرکت اولین عاملی است که بر اندازه یک سطح اطمینان پشتیبان تاثیر میگذارد. شرکتی با نوسانات شدید نقدی، یک منبع بزرگ پشتیبان نقد را میطلبد و برعکس شرکتی که دارای نوسانات جزئی میباشد به پشتیبان کمتری نیاز دارد. فرض را بر این میگیریم که برای شرکت کپی رایت سطح اطمینان پشتیبانی معادل ۲۰۰۰ دلار کافی است. جدول ۱-۲ که ذیلاً آمده است، شرکت کپی رایت را با سطوح اطمینان فرضی نشان میدهد. شرکت در ماههای آگوست، سپتامبر، اکتبر و نوامبر با کمبودهای عملیاتی و در تمامی شش ماه با کمبودهای پشتیبان روبرو میباشد. جهت چاره اندیشی برای فقدان نقدینگی، شرکت باید سعی در ایجاد یک حد اعتباری با بانک خود داشته باشد. شرکت باید به بانک بگوید که تقریباً ۲۰۰۰ دلار از اعتبار در تابستان جهت جبران کمبود عملیاتی ماه سپتامبر مصرف میشود و ۲۰۰۰ دلار دیگر بعنوان یک منبع پشتیبان بکار گرفته خواهد شد. بنابراین مجموعاً یک اعتبار ۴۰۰۰ دلاری توسط شرکت باید درخواست گردد.

جولای	اگوست	سپتامبر	اکتبر	نوامبر	دسامبر	شماره چاپ حساب داریت
\$ ۱۷ ۳۰۰	\$ ۵ ۱۰۰	\$ (۱ ۱۰۰)	\$ (۲ ۳۰۰)	\$ ۷ ۵۰۰	\$ ۱۹ ۳۰۰	وجه نقد موجود در پایان ماه
۱۰ ۰۰۰	۱۰ ۰۰۰	۱۰ ۰۰۰	۱۰ ۰۰۰	۱۰ ۰۰۰	۱۰ ۰۰۰	سطح اطمینان عملیاتی
۷ ۳۰۰	(۴ ۹۰۰)	(۲۱ ۱۰۰)	(۱۲ ۳۰۰)	(۲ ۵۰۰)	۹ ۳۰۰	مازاد یا کمبود عملیاتی
۲۰ ۰۰۰	۲۰ ۰۰۰	۲۰ ۰۰۰	۲۰ ۰۰۰	۲۰ ۰۰۰	۲۰ ۰۰۰	سطح اطمینان پشتیبان
\$ (۱۲ ۷۰۰)	\$ (۲۴ ۹۰۰)	\$ (۴۱ ۱۰۰)	\$ (۳۲ ۳۰۰)	\$ (۲۲ ۵۰۰)	\$ (۱۰ ۷۰۰)	مازاد یا کمبود پشتیبان

بر اساس این اعداد و ارقام، احتمالاً شرکت باید ۲۰ ۰۰۰ دلار در ماه اگوست قرض کند و آنرا در نوامبر بازپرداخت نماید. فزانه دار معمولاً یک وام نسبتاً بیشتری را برنامه ریزی میکند که با تقاضای وامهای کمتر و بازپرداخت آنها در چندین مرتبه برای بانک ایجاد مشکل نکند. البته هر وجه نقد اضافی بلااستفاده تا زمانیکه مورد نیاز نیست در صندوق بازار پول شرکت سرمایه گذاری فواید شد. این مثال حدود کلی وظیفه مدیریت وجهه نقد را بوم مرتبط میسازد. با کمک صورت پیش بینی جریان نقد، مدیر مالی بهتر قادر به تشخیص نیازهای نقدی آتی میباشد. این بدان معنا نیست که در صورتی پیش بینی هیچ اشتباهی رخ ندهد. بلکه این بدان معناست که مدیر سعی خود را برای تعیین نیازهای عملیاتی شرکت در دوره آتی بعمل آورده تا جهت روبروئی با کمبود نقدی آمادگی داشته باشد.

اداره کردن دریاقتها و پرداختها

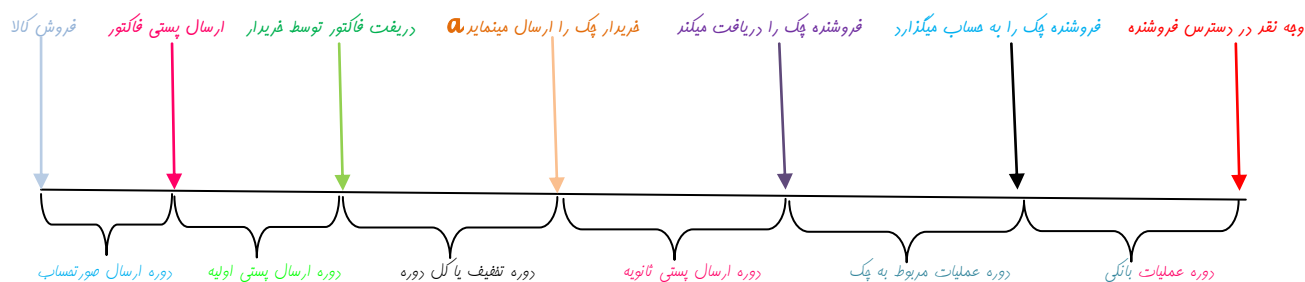
سیستم مدیریت وجه نقد شرکت، ترکیبی از ابزارها، تکنیکها و خدمات را با هدف دستیابی به استفاده موثر و کارایی وجه نقد شرکت بکار میبرد. در این بخش، ما عوامل عمده یک سیستم مدیریت وجه نقد را بررسی خواهیم نمود.

اهداف

در ایجاد سیستم مدیریت وجه نقد، هدف اولیه شرکت بالا بردن استفاده وجه نقد است. کلاً لازمه چنین امری، پیاده کردن روشهایی جهت تسریع دریافتها، اجتناب از پرداختهای غیرضروری یا زودتر از موعد و به حداقل رسانیدن موجودی بلااستفاده میباشد. یک هدف دیگر، به حداقل رسانیدن هزینه های عملیاتی سیستم است. یک برنامه مدیریت وجه نقد که بفوبی طراحی شده باشد باید بازدهی اش بیشتر از هزینه های متعمله جهت اجرای آن باشد. یکی از اهداف نهائی، عادی سافتن و به شکل روزمره درآوردن مراحل برنامه وجه نقد و به حداقل رسانیدن زمان درگیری مدیریت در رابطه با مسائل و امور تکراری میباشد.

دوره وصول

اصطلاح دوره وصول به دوره هایی اشاره دارد که به هنگام حرکت نقد در مراحل مختلف وصول بر روی آن تاثیر میگذارد. همانطور که در شکل ۳-۱ آمده است، چهار نوع دوره شناسایی میشود:



شکل ۳-۱ مراحل مختلف و انواع دوره‌ها در فرآیند وصول **a**- در این بحث، تأخیر عمدی فریدار نادیده گرفته می‌شود.

۱- دوره ارسال صورتحساب. فاکتور یک سند رسمی است که فروشنده تهیه و بعنوان تقاضای پرداخت بابت کالاهای فروخته شده یا خدمات ارائه شده، برای فریدار ارسال می‌نماید. زمان بین فروش و ارسال پستی فاکتور، دوره ارسال صورتحساب نامیده می‌شود.

۲- دوره ارسال پستی. این دوره مدت زمانی است که طول میکشد تا چک توسط اداره پست، سرویس پیغام‌بری یا وسایل دیگر تحویلی، به دست فریدار برسد.

۳- دوره عملیات مربوط به چک. این دوره شامل زمان لازم برای جدا کردن، ثبت کردن و به حساب گذاردن چک توسط فروشنده پس از دریافت آن از طریق پست می‌باشد.

۴- دوره عملیات بانکی. این دوره، از زمان به حساب گذاشتن چک توسط فروشنده تا بستن کار کردن حساب وی توسط بانک می‌باشد.

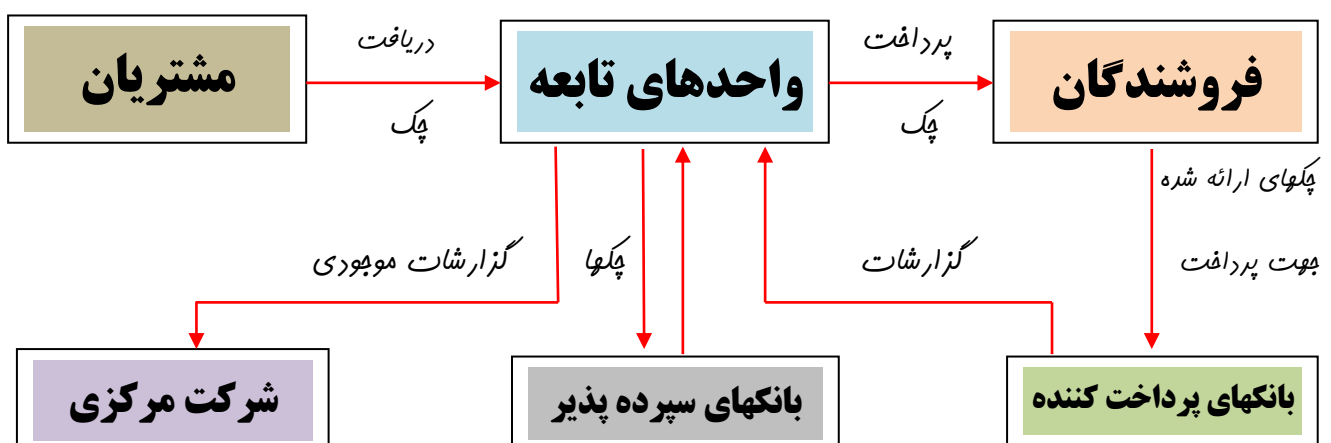
کنترل دوره وصول

در اینجا منظور از کنترل، دریافت مداوم و استفاده موثر از اطلاعات مربوط به وضعیت دریافتها، پرداختها و مانده های نقدی شرکت می‌باشد. این امر مستلزم گزارشدهی کامل و مداوم از جنبه های متغیر سیستم، جهت عملی سافتن ارائه آفرین نیازهای نقدی است. این کار همپنین شرکت را قادر می‌سازد که از فرصتهای بوجود

آمده جهت اجتناب از مشکلات و کمبودهایی که اجتناب پذیر هستند استفاده کند. ما چندین روش مختلف را در کنترل دوره وصول شرکت بررسی خواهیم نمود.

سیستم گزارشدهی

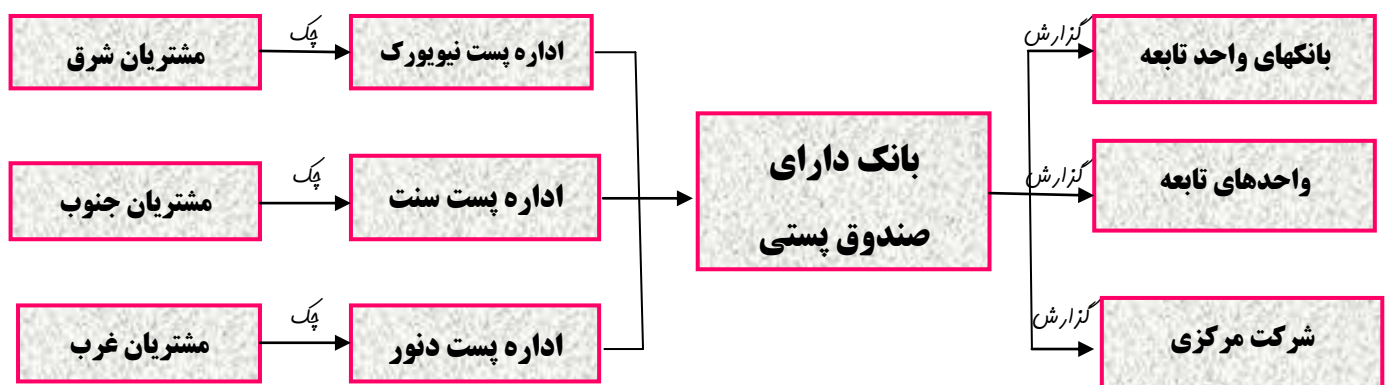
یک شرکت چند بخشی میتواند حجم وسیعی از تغییرات نقدی اش را به هنگام دریافت گزارشات از بانکهای مختلف مستقیماً در واحدهای تابعه خود اداره کند. بانک سپرده پذیر بانکی است که وجوه نقد شرکت را دریافت میکند، بانک پرداخت کننده، بانکی است که شرکت جهت پرداخت صورتمسابهایش از آن استفاده میکند. بطور عادی، این بانکها برای یک واحد تابعه فرقی نمیکنند. این بانکها با وجوه نقد شرکت سر و کار دارند و باید که هم برای شرکت مرکزی و هم برای هر یک از واحدهای تابعه گزارش وضعیت تهیه نمایند. چنین ترتیباتی در شکل ۴-۱ نشان داده شده است. کلاً این تصویر روشی نسبتاً ساده برای یک سیستم کنترل وجوه نقد را نشان میدهد.



شکل ۴-۱ سیستم منظم مدیریت وجوه نقد برای شرکتی که چندین واحد تابعه و عملیاتی دارد.

سیستم صندوق پستی برای وصولها

چنین صندوقی تحت کنترل بانک میباشد. بانک مهیاکننده این صندوق، مرسولات رسیده را جمع آوری کرده و چکها را مستقیماً به حساب شرکت واریز مینماید. سپس بانک یک کپی از چکها را همراه با نامه در داخل پاکت برای دایره حسابداری شرکت ارسال میکند. یک سیستم صندوق پستی در شکل ۵-۱ نشان داده شده است.



شکل ۵-۱ مدل یک سیستم صندوق پستی با سه صندوق

سیستم صندوق پستی پرکاربردترین روش جهت تسریع در امر وصول مطالبات است. یک سیستم صندوق پستی، دوره ارسال پستی را کاهش میدهد زیرا صندوقها را میتوان در اماکن مختلف جغرافیایی تعبیه کرد و در نتیجه مدت زمان پست را کاهش داد. این امر دوره عملیات مربوط به چک را بطور کامل حذف میکند زیرا تا زمانی که چکها به حساب واریز نشده باشند ثبت نمی شوند. جهت حصول اطمینان از به حداقل رسیدن زمان عملیات مربوط به چک، بعضی از بانکها که خدمات صندوق پستی را ارائه میکنند، مرسولات پستی را بشکل مداوم و مستمر جمع آوری کرده و عملیات مربوط به چکها را بطور ۲۴ ساعته انجام میدهند.

بانک تعبیه کننده صندوق گاهی اوقات خدماتی مربوط به تسریع چریانات نقد را فراهم می آورد. بطور مثال ممکن است که بانک مزبور اطلاعاتی را بر روی نوار کامپیوتر بفهرستد که مستقیماً توسط کامپیوتر شرکت قابل دریافت باشد. بعنوان یک خدمت دیگر، بانک میتواند از یک اسکنر جهت تشفیص فاکتورهائی که با چک همراه هستند استفاده کند. اطلاعات مربوط به فاکتور را میتوان بر روی یک نوار برای شرکت ارسال کرد تا اثر آنرا مستقیماً بر روی مطالبات خود ثبت کند.

آفرین خدمت بانک تعبیه کننده صندوق، انتقال تلگرافی است که سریعترین راه انتقال وجه نقد میان بانکها میباشد. با استفاده از انتقال تلگرافی، وجه نقد فوراً از طریق بانک سپرده پذیر در دسترس شرکت خواهد بود. دو نوع سیستم تلگرافی وجود دارد. سیستم فدرال رزرو جهت کمک در امر انتقال وجه بین بانکهای عضو، تلگراف فدرال را ایجاد کرده است. سیستم تلگراف بانکی یک نوع خدمت فصولی است که بانکها میتوانند بمنظور انتقال وجه نقد، گزارش مبادلات اوراق بهادار یا تبادل اطلاعات اعتباری از آن استفاده کنند.

سیستم بانکی متمرکز

سیستم بانکی متمرکز روشی است که در آن جهت کنترل وجه شرکت و به حداقل رسانیدن موجودیهای نقدی بلااستفاده، وجه نقد شرکت را متمرکز میسازد. تحت این روش یک بانک متمرکز جهت دریافت وجه از صندوقهای پستی و یا هر یک از بانکهای سپرده پذیر واحدهای تابعه برگزیده میشود. بر طبق دستورالعمل هایی که توسط شرکت صادر میشود، میتوان بطور اتوماتیک از انتقال تلگرافی استفاده کرد. بانک بطور روزانه

میزان موجودی در دسترس را گزارش میکند بطوریکه خزانه دار شرکت میتواند حداکثر استفاده را از موقعیتهای سرمایه گذاری بکند.

یک روش دیگر سیستم بانکی متمرکز، بکارگیری چک انتقالی بشکل سپرده (DTC)

DEPOSITORY TRANSFER CHECK میباشد که سند سپرده دیداری غیر قابل معامله جهت انتقال پول از یک حساب به حساب دیگر است. چک انتقالی بشکل سپرده (DTC) میتواند کاغذی یا الکترونیک باشد یعنی میتوان آنرا مانند سایر چکها در شکل کاغذی خود انتقال داد و یا بطریقه الکترونیک فرستاد. برخلاف یک تلگراف، که فوراً در طول روز فرستاده میشود، چک انتقالی بشکل سپرده (DTC) طوری ارسال میشود که یا در شب و یا در روز بعد میرسد.

انجام عملیات سریع مربوط به چک با استفاده از سیستم (DTC) عملی میباشد. بعد از اینکه واحد عملیاتی در بانک محلی پولی به حساب واریز میکند و یا مشتریان چکهای را به صندوق ارسال مینمایند، مبلغ وجه موجود در بانک از طریق تلفن به یک قسمت مرکزی مانند دپارتمان حسابداری شرکت مرکزی و یا به یک دفتر نمایندگی جمع آوری اطلاعات، خبر داده میشود. هنگامیکه تمامی مبالغ سپرده شناسایی میشوند، کلیه مبالغ به بانکی که محل تجمع وجه است منتقل میشود یعنی محلی که در آنجا چکهای انتقالی بشکل سپرده جهت وصول تهیه و تنظیم میشوند.

انتخاب بین انتقال تلگرافی یا انتقال پستی در یک سیستم نقدی متمرکز به دو عامل بستگی دارد: پول مورد بحث بر حسب دلار و هزینه یکشنبه پول. شرکت میتواند با مناسبه نقطه سربسر بین دو انتخاب (آلترناتیو) تعیین کند که از تلگراف و یا چک انتقالی بشکل سپرده (DTC) استفاده نماید.

فرمول آن بشکل زیر است:

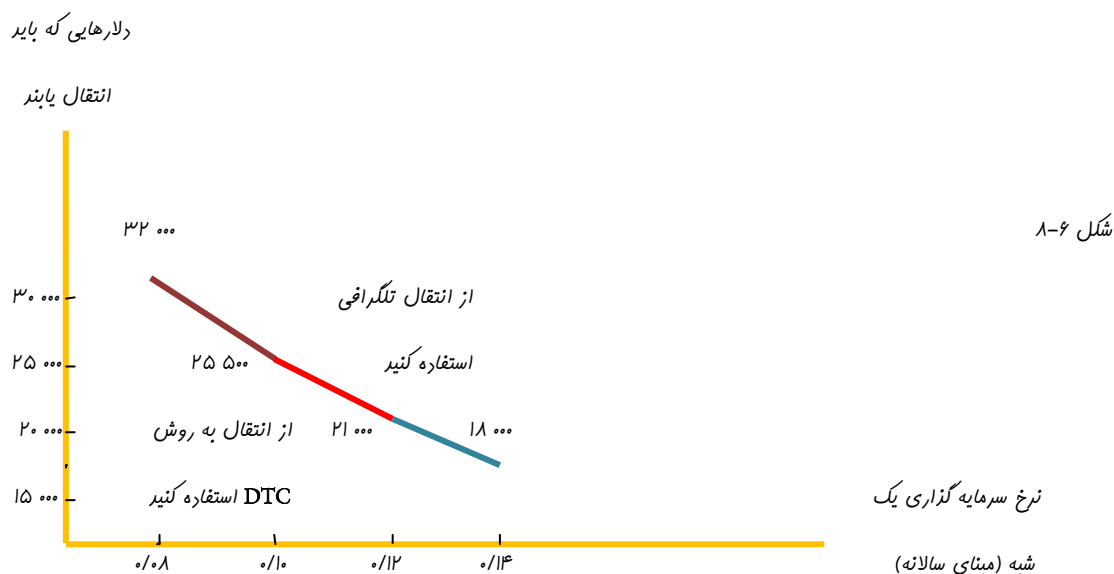
(۳۶۵ / هزینه سالانه پول) (موجودی نقد) = (هزینه **DTC** - هزینه تلگراف)

کاربرد این فرمول را میتوان در یک مثال نشان داد. فرض کنید که شرکتی میتواند از انتقال تلگرافی به بهای هر تلگراف ۸ دلار و از انتقال به طریق چک انتقالی به بهای هر بار انتقال یک دلار استفاده کند. مضافاً فرض فرض کنید که این شرکت میتواند وجه خود را در صندوق بازار پول برای مدت یک شب سرمایه گذاری کند و ۱۳ درصد بازده کسب کند. تعادل نقطه سربسر یعنی جایی که استفاده از تلگراف یا **DTC** هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشته باشد بصورت زیر است:

$$۱۹۶۵۴ \text{ دلار} = (۳۶۵ \div ۰/۱۳) (\text{موجودی نقد}) = (۱ \text{ دلار} - ۸ \text{ دلار})$$

برای موجودیهای بالاتر از این مبلغ، شرکت باید وجهه را تلگراف کند. برای موجودیهای پایین تر از ۱۹۶۵۴ دلار باید از سیستم **DTC** جهت انتقال وجهه استفاده کرد.

رابطه بین انتقالات تلگرافی و **DTC** میتواند با استفاده از فرم تجزیه و تحلیل نقطه سربسری بشکل نمودار بیان شود. این کار چیزی جز بکار بردن فرمول مذکور در بالا و مناسبه مقادیر مختلف موجودیهای نقدی سربسر نیست. تصویر ۶-۱ نمودار سربسر را هنگامیکه هزینه های انتقال تلگرافی ۸ دلار و هزینه های روش **DTC** یک دلار است نشان میدهد. در نرخ بهره یک شبه ۸ درصد، مبالغ بیش از ۳۲۰۰۰ دلار باید تلگرافی منتقل شوند و در نرخ ۱۴ درصد برای یک شب، مبالغ بیش از ۱۸۰۰۰ دلار باید تلگرافی منتقل شوند.



شکل ۸-۶ نمودار سربسری برای انتقال به روش DTC در مقابل انتقال تلگرافی، هنگامیکه هزینه تلگراف برای هر مرتبه ۸ دلار و هزینه انتقال به روش DTC برای هر بار یک دلار میباشد.

پرداختها

تا اینجا بحث ما در مورد صندوق پستی و سیستم بانکی متمرکز بدواً بر وصولیها متمرکز بود. پرداختهای موثر نیز یکی از عوامل کلیدی مدیریت وجه نقد است. بیشتر شرکتها علاقمند به حفظ اعتبار و روابط خوب خود با فروشندگان از طریق پرداخت وجه به شکل دقیق و زمانبندی شده میباشند. در عین حال، یک سیستم پرداختی باید هزینه عملیاتی کمی داشته باشد، گزارشات دقیق مدیریت را تهیه کند و دوره پرداخت را به شکل عملی و معقول طولانی گرداند.

حساب پرداخت با مانده صفر

تعدادی از بانکها، تسهیلاتی بشکل حساب با مانده صفر (ZBA) ارائه میکنند که نوشتن چکهای را از محل حسابهای عملیاتی که هیچ مانده ای در آنها موجود نیست مجاز میسازد. این چکها از طریق کانالهای منظم بانکی تهاتر میشوند و سپس جهت وصول ارائه میگردند. هنگام معاملات تجاری، بانک بطور اتوماتیک وجهی را از حساب اصلی شرکت که محل تجمع وجهه است به حسابهای مختلف عملیاتی منتقل میسازد تا مانده هر یک از حسابهای مذکور را به صفر برساند.

سیستم حساب با مانده صفر یکسری مزایا برای شرکت در بر دارد. هیچ موجودی نقد بلااستفاده ای در حسابهای مختلف پرداخت نگهداری نمیشود. همچنین بانک بطور معمول گزارشات کامپیوتری را برای دپارتمان حسابداری شرکت تهیه میکند بطوریکه خزانه دار میتواند از موجودی های نقدی بطور روزانه آگاهی یابد و تصمیماتی در باب تخصیص وجهه نقد و همینطور سرمایه گذاری صحیح اتخاذ نماید. بنابراین در سیستم (ZBA) (حساب با مانده صفر) پرداختهای پراکنده با کنترل متمرکز عملی میباشد.

پرداخت از راه دور

یک روش دیگر جهت طولانی گردانیدن دوره پرداخت، پرداخت از راه دور است که در این روش، بانکهای پرداخت کننده چک در محدوده هایی قرار دارند که خدمات تهاتری معمول را از خدراال رزرو دریافت نمیکنند. این سیستم میتواند حالت حساب با مانده صفر را شامل شود بطوریکه تا قبل از اینکه چکها برای وصول ارائه شوند شرکت

وجهی را در حسابش حبس نمیکند. پرداخت از راه دور مشکلاتی را برای سیستم فدرال رزرو در جهت اداره کردن عرضه پول ایجاد میکند و معمولاً این کار (پرداخت از راه دور) توسط فدرال رزرو و تعدادی از بانکها منع میشود. بر خلاف این ممانعت، برخی از شرکتها به استفاده از اشکال مختلف پرداخت از راه دور یا پرداخت کنترل شده ادامه میدهند.

انتقال الکترونیک وجه (EFT)

سیستمهای مدیریت وجه نقد بطور فزاینده ای از تکنیکهای انتقال الکترونیک وجه استفاده خواهند کرد که بوسیله آن معاملات بر روی نواهارهای مغناطیسی ثبت میشوند و مستقیماً از طریق یک مرکز تسویه اتوماتیک تها تر میشوند. این امر نیاز به چاپ چک را حذف، دوره وصول را حداقل و بطور قابل ملاحظه ای کارهای نوشتنی و هزینه های مربوطه را کاهش خواهد داد. در عین حال، بانکها انتظار دارند که سیستمهای EFT در مالی که فطاهای مربوط به پردازش اطلاعات را به حداقل میرسانند، امور دفتری را بهبود بخشد.